



پیامدهای منطقه‌ای ولیعهدی محمد بن سلمان در عربستان

تابلو

مجموعه مقالات

پیامدهای منطقه‌ای ولیعهدی محمد بن سلمان در عربستان

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: www.Tabyincenter.ir

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

سیاست خارجی عربستان در عرصه منطقه تا پیش از روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز در سال ۲۰۱۵ آمیزه‌ای از محافظه‌کاری و رقابت‌های کنترل شده بود. در واقع در این دوران عربستان با توجه به محدودیت‌های داخلی و منطقه‌ای سعی داشت تا به صورت عریان به دشمنی با کشورهای منطقه نپردازد و به نوعی با کج دار و مریز رفتار کردن بتواند به اهداف منطقه‌ای خود دست یابد. همان‌طور که مقام معظم رهبری در مورد سیاست خارجی عربستان تا پیش از روی کار آمدن ملک سلمان بیان داشتند که ما با سعودی‌ها در مسائل گوناگون سیاسی اختلافات متعددی داریم اما همیشه می‌گفتیم که آن‌ها در سیاست خارجی متانت و وقار نشان می‌دهند، اما چند جوان بی‌تجربه امور آن کشور را در دست گرفته و دارند جنبه توحش را بر جنبه متانت و ظاهر سازی غلبه می‌دهند که این کار قطعاً به ضررشان تمام خواهد شد. (۱)

اما حاکم شدن تیم ملک سلمان بر دربار سعودی باعث شد که سیاست محافظه‌کاری این کشور از دستور کار خارج و سیاست تهاجمی و مداخله‌گرایی جایگزین آن شود. حمله به یمن، تشدید حمایت‌ها از تروریست‌ها در منطقه و تلاش برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی محصول این سیاست بوده است. این در حالی بود که محمد بن سلمان همچنان با رقیب قدرتمند خود یعنی محمد بن نایف مواجه بود و از این رو در دوران رقابت به صورت کامل سیاست‌های منطقه‌ای وی پیش نمی‌رفت چرا که بن نایف با تندروی‌های وی مخالفت‌هایی داشت.

اما اکنون بن نایف برکنار شده است و قدرت به صورت کامل در اختیار بن سلمان قرار دارد؛ بنابراین باید شاهد تندتر شدن مواضع عربستان در مسائل منطقه باشیم. به صورت کلی محور مقاومت شامل ایران، عراق، سوریه، حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت در یمن و فلسطین در دوران بن سلمان تحت شدیدترین فشارها قرار خواهند گرفت، محور ارتجاع عرب با استفاده از قدرت بن سلمان فرصت بیشتری برای خودنمایی

خواهد داشت، دشمنی‌ها با محور انحراف یعنی قطر و ترکیه بیشتر از قبل خواهد شد و محور احتلال نیز فرصتی بی‌نظیر برای رهایی از تنگناهای سیاسی پیدا خواهد کرد؛ اما جزئیات این پیامدها چگونه خواهد بود؟

رژیم صهیونیستی

از زمانی که محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۵ در عربستان به عنوان وزیر دفاع و جانشین ولیعهد انتخاب شد روابط ریاض و تل‌آویو از حالت مخفی خارج شد و به تدریج در مسیر آشکارسازی روابط حرکت کرد. یک سال قبل نشریه میدل ایست آی فاش کرد: محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی برنامه ویژه‌ای برای به پادشاهی رساندن محمد بن سلمان تا پایان سال دارد. طبق اعلام این نشریه محمد بن زاید به محمد بن سلمان نصیحت کرده که اگر می‌خواهد از حمایت و اشنگتن برای رسیدن به حکومت برخوردار شود، باید روابط محکمی با رژیم صهیونیستی برقرار کند! (۲)

همچنین خبر ولیعهد شدن بن سلمان به شدت از سوی مقامات رژیم صهیونیستی و رسانه‌های این رژیم با استقبال مواجه شد و حتی وزیر حمل و نقل رژیم صهیونیستی از سلمان بن عبدالعزیز شاه سعودی خواست تا کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را برای برداشتن گامی واقعی در مسیر مذاکره با رژیم صهیونیستی رهبری کند. در جریان کنفرانس هرتزلیا، وزیر حمل و نقل رژیم صهیونیستی هم از کشورهای عربی خواست تا در عادی سازی مناسبات بین خود بکوشند. او هم چنین از عربستان خواست تا در روزهای آینده از نتانیاهو برای حضور در ریاض دعوت کند. (۳)

در واقع بن سلمان اقدامات زیادی در راستای منافع رژیم صهیونیستی در دو سال گذشته انجام داده است. «توماس فریدمن» روزنگار آمریکایی در این ارتباط اعلام کرد:

«در دیداری به عربستان پنج ساعت با شاهزاده محمد بن سلمان نشست برگزار کردم ولی بن سلمان هرگز یک کلمه هم درباره فلسطین یا درباره نزاع عرب‌ها با اسرائیلی‌ها در طول این نشست نگفت. من هر کسی که یک نوار ضبط شده از شاهزاده بن سلمان ارائه کند که در آن کلمه فلسطین را در همه دیدارهای تلویزیونی اش ذکر کرده باشد را به چالش می‌کشانم.» (۴)

در هر صورت ولیعهدی بن سلمان خبر مثبتی برای رژیم صهیونیستی است چرا که وی نشان داده است که به دنبال عادی سازی روابط با این رژیم است. اکنون نیز همه قدرت عربستان در دست وی است و برنامه‌های وی بدون کمترین مخالفتی اجرا خواهند شد. البته این به معنای این نیست که هیچ‌گونه مخالفتی با این سیاست‌ها وجود نداشته باشد بلکه بن سلمان نشان داده است که با استفاده از ابزار تهدید و تطمیع مخالفان خود را کنار می‌زند؛ بنابراین تندتر شدن شیپ عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین پیامدهای ولیعهدی بن سلمان خواهد بود.

آمریکا

هرچند در این مطلب به دنبال بررسی پیامدهای منطقه‌ای ولیعهدی ترامپ هستیم اما مسئله روابط آمریکا و عربستان بسیار بر مسائل منطقه تأثیرگذار است و به همین دلیل ناگزیر از بررسی آن خواهیم بود.

از زمانی که محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۵ در عربستان به عنوان وزیر دفاع و جانشین ولیعهد انتخاب شد روابط ریاض و تل‌آویو از حالت مخفی خارج شد و به تدریج در مسیر آشکار سازی روابط حرکت کرد.

تا پیش از پیروزی دونالد ترامپ محمد بن نایف گزینه نخست آمریکا برای پادشاهی در عربستان بود. پایگاه خبری العهد، در این مورد به نقل از یک منبع عربی به جزئیات مربوط به سفر ملک سلمان بن عبدالعزيز آل سعود پادشاه عربستان سعودی به واشنگتن که در سال ۲۰۱۵ صورت گرفت اشاره کرد: ملک سلمان بن عبدالعزيز پادشاه عربستان سعودی در دیدار با اوباما موضوع خلافت و جانشینی فرزندش محمد رابه جای خود با رئیس جمهوری آمریکا مطرح کرد، اما پاسخی که از رئیس جمهوری آمریکا در این باره شنید آن بود که واشنگتن تصمیم گرفته است، شاهزاده محمد بن نایف پادشاه آتی عربستان سعودی بعد از ملک سلمان باشد. به گفته این منبع عربی، اوباما به میهمان سعودی خود اعلام کرد، این تصمیم واشنگتن برگشت ناپذیر است، چرا که به گفته رئیس جمهوری آمریکا شاهزاده محمد بن نایف در مبارزه با گروه‌های تندرو خبره است و در مقایسه محمد بن نایف سه دهه است که در رأس قدرت وزارت امور داخله عربستان قرار دارد و در مقابل شاهزاده محمد بن سلمان هیچ تجربه‌ای ندارد و در حاکمیت و قدرت نوظا است. (۵)

اما با پایان دوران ریاست جمهوری اوباما تیم جدید کاخ سفید نیز در مسائل مختلف تغییراتی ایجاد کرد. در واقع با تغییر رئیس جمهور آمریکا بن نایف نیز از اولویت آمریکا خارج و محمد بن سلمان جای وی را گرفت.

اخیراً سندی فاش شد که افشامی کرد بن سلمان و دونالد ترامپ در جریان کمپین انتخاباتی او مقدمات به تخت نشستن را مهیا کرده بودند. این سند نشان می‌داد که ترامپ در ازای وارد کردن پول‌های عربستان به بازارهای آمریکا قول داده بود از به قدرت رسیدن بن سلمان حمایت کند. طبق این سند، محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد عربستان و وزیر دفاع این کشور کمی پس از انتخاب دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و پیش از آنکه دولت آمریکا را به دست بگیرد طرح کاملی را به ترامپ داده بود که بیشتر

بندهایش شامل قراردادهای سرمایه‌گذاری صدها میلیارد دلاری تحت عنوان هماهنگی با اهداف برنامه‌های انتخاباتی او بودند. (۶)

بنابراین با این توصیف و تمایل ترامپ به بن سلمان، ولیعهد عربستان بیش از پیش در مسیر سیاست‌های آمریکا حرکت خواهد کرد. در واقع روحیات شخصی و نوع نگاه بن سلمان و ترامپ به مسائل بین‌المللی که شباهت‌های زیادی دارد باعث خواهد شد تا عربستان به عنوان ابزار اجرایی سیاست‌های آمریکا در منطقه باشد. از این رو علاوه بر قرارداد ۵۰ میلیارد دلاری اخیر بین ریاض و واشنگتن باید شاهد گسترش همکاری‌های اقتصادی - نظامی بین دو کشور بود.

قطر

محمد بن سلمان نشان داده است که رویای تسلط بر شبه جزیره عربی را دارد. در واقع وی با اتکا به درآمدهای نفتی و حمایت‌های آمریکا به دنبال آن است تا کشورهای عربی غیرهمسو با خود را از مدار خارج کند. از این رو عربستان به همراه سه کشور امارات، بحرین و مصر روابط خود را با قطر قطع کردند و این کشور در محاصره هوایی، دریایی و زمینی قرار گرفت. چند روز بعد نیز این کشورها شروط ۱۳ گانه‌ای را برای قطر تعیین کردند. بررسی شروط ۱۳ گانه به خوبی نشان می‌دهد که محمد بن سلمان این شروط را با این هدف که از سوی قطر رد شود ارائه داده است چرا که این شروط حاکمیت و استقلال قطر را نشانه گرفته بود. از این رو توسط قطر رد شد. در واقع بن سلمان به دنبال آن است تا بهانه‌ای برای تشدید اقدامات علیه قطر به دست آورد و این کشور را به عنوان یک نمونه از اقتدار خود معرفی کند. از همین رو به احتمال زیاد باید شاهد تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه قطر، تعلیق عضویت قطر در شورای همکاری خلیج فارس و تشدید فشارهای سیاسی بر قطر بود. بن سلمان نتوانست که پیروزی‌ای در یمن کسب

کند و آن را به عنوان نقطه درخشان خود در سیاست خارجی عرضه نماید از این روسعی دارد در مقام ولیعهدی قطر را تحت شدیدترین فشارها بگذارد. در واقع محمد بن نایف به نوعی مخالف تحریم و محاصره قطر بود اما اکنون بن سلمان با آزادی کامل در برابر قطر می‌تواند به اهداف خود بپردازد.

ترکیه

انتخاب بن سلمان به مقام ولیعهدی بیانگر شکل‌گیری و تعمیق سیاست تهاجمی سعودی‌ها در منطقه بوده و این نوید را می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک سیاست‌های خشونت‌آمیز و جنگ طلبانه عربستان و جبهه‌ای فراگیرتر خواهد یافت. تقویت سیاست پدرخواندگی عربستان بر مسلمانان منطقه نیز از جمله عوامل دیگری است که باعث شکل‌گیری بحران گفتمانی میان ترکیه و عربستان خواهد شد؛ چراکه رجب طیب اردوغان با اصلاح قانون اساسی در داخل به دنبال احیای میراث ترکی امپراتوری عثمانی بوده و تلاش گسترده‌ای را برای رهبری جهان اهل سنت به کار بسته بود که انتخاب بن سلمان و قطع کامل نفوذ ترکیه در عربستان با خلع بن نایف از ولیعهدی، بیانگر گسترش چالش‌های گفتمانی میان دو کشور در آینده‌ای نزدیک است. در واقع عربستان سعودی با ادعای خادم‌الحریمین الشریفین و ترکیه با ادعای احیای میراث امپراتوری عثمانی در جهان اسلام، قصد دارند بر تمام مسلمانان حکم برانند که همین عامل با حضور بن سلمان و تهاجمی شدن سیاست سعودی‌ها و جبهه‌ای گفتمانی به خود گرفته و تعارض‌ها را تحکیم خواهد داد. (۷) در جریان محاصره قطر نیز ترکیه جانب قطر را گرفته و به دوحه نیروی نظامی اعزام کرده است. اعزام نیرو به قطر چالش‌ها را بیش از پیش تقویت کرده و باعث می‌شود تا جنگ سرد گسترده‌ای میان ترک‌ها و سعودی‌ها نیز شکل بگیرد؛ بنابراین عزل بن نایف از ولایت عهدی و جایگزینی بن سلمان با آن، نویدگر رشد

تنش‌های ترکی-عربی در منطقه بوده و از افزایش درگیری‌های میان ترک‌ها و سعودی‌ها در آینده‌ای نزدیک حکایت می‌کند.

ایران

محمد بن سلمان به عنوان معمار سیاست خارجی و تهاجمی عربستان در دو سال اخیر تمرکز خود را بر افزایش تنش با ایران گذاشته است. از این رو در دوران قدرت‌نمایی وی، شاهد قطع روابط ایران و عربستان بوده‌ایم. از سوی دیگر در شروط اعلام شده به قطر از سوی عربستان قطع رابطه با ایران یکی از شروط تحمیلی به قطر بود؛ بنابراین بن سلمان به دنبال آن است تا شکست‌های عربستان در یمن، سوریه، عراق و لبنان را که عامل اصلی آن ایران بوده است را به نوعی با جبهه‌گیری‌های سیاسی جبران کند. مشی ضد ایرانی ترامپ نیز در این مسیر به مدد بن سلمان آمده و وی به دنبال آن است که در ابتدا با افزایش فشارها بر متحدین ایران (در شروط تحمیلی به قطر قطع ارتباط با حماس و حزب الله لبنان نیز ذکر شده است) تهران را تحت فشار بگذارد و در ادامه مسیر را برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی به عنوان بزرگ‌ترین دشمن ایران هموار کند؛ بنابراین ولیعهدی بن سلمان آینده‌وافق روابط تهران و ریاض را تیره‌تر از قبل کرده است.

سوریه و یمن

عربستان اکنون در دو عرصه یمن و سوریه درگیر جنگ است. در یمن به صورت مستقیم و در سوریه به صورت نیابتی. این دو جنگ برای محمد بن سلمان بسیار حیاتی

هستند چرا که با توجه به تغییرات نظم منطقه‌ای عربستان در صورت شکست در این دو عرصه جایگاهی در نظم جدید نخواهد داشت. در واقع یمن اکنون به عنوان سند ناکامی بن سلمان تبدیل شده است. چرا که علاوه بر هزینه‌های گزاف در این مورد اختلافات داخلی را نیز علیه بن سلمان برانگیخته است. در سوریه نیز تروریست‌های مورد حمایت ریاض در ۵ سال گذشته موفق به تحقق اهداف عربستان نشده‌اند و اکنون با آزادی موصل در عراق و همچنین عقب‌نشینی‌های مکرر تروریست‌ها در سوریه باید شاهد شکست کامل طرح‌های ریاض در منطقه باشیم. از این رو بن سلمان سعی خواهد کرد برای جلوگیری از این شکست‌ها به تنها گزینه موجود یعنی تشدید حمایت‌های از تروریست‌ها روی آورد.

تأثیرپذیری محورهای منطقه‌ای

ولیعهدی بن سلمان علاوه بر تأثیرگذاری بر روابط با برخی از کشورهای و رژیم‌های منطقه محورهای منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

محور مقاومت

محور مقاومت به مرکزیت ایران بیشترین تأثیر را در این زمینه خواهد پذیرفت. چرا که بن سلمان تفکر و گفتمان خود را با پایه مقابله با این محور قرار داده است. در واقع متغیرهای مؤثر در سیاست خارجی بن سلمان (تحکیم رابطه با آمریکا، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تلاش برای تشدید بی‌ثباتی در منطقه و...) نشان دهنده این است که محور مقاومت در زمینه‌های مختلف باید خود را آماده رویارویی با نقشه‌های

بن سلمان کند. یمن، لبنان، فلسطین، سوریه و عراق از همان ابتدای پادشاهی ملک سلمان در کانون سیاست‌های عربستان قرار داشته است. در واقع بن سلمان تلاش دارد تا با حمله به متحدین ایران و بازوهای حمایتی تهران، به سمت تشدید فشار بر ایران گام بردارد؛ بنابراین محور مقاومت شاید در یکی از چالشی‌ترین و حساس‌ترین دوران خود قرار بگیرد. البته نتیجه این امر می‌تواند به استحکام و تقویت بیشتر این محور نیز منجر شود. به ویژه که پیروزی‌های نیروهای نظامی وابسته به محور مقاومت در سوریه و عراق باعث ایجاد نفوذ بیشتری در منطقه شده است.

محور ارتجاع

بن سلمان از همان ابتدای وارد شدن به کارزار سیاست به دنبال تحکیم روابط با محور ارتجاع بود. از این رو دو کشور امارات و بحرین در منظومه فکری وی جایگاهی ویژه پیدا کردند. در واقع ولیعهد جدید سعودی به دنبال آن است تا با توجه به روابط دوستانه با ولیعهد ابوظبی اتحادی چندگانه از کشورهای مرتجع عربی تشکیل دهد. با توجه به نوع نگاه بن سلمان این محور در آینده امکان قدرت‌نمایی بیشتری را خواهد داشت و کشورهای بیشتری نیز در این محور جای خواهند گرفت. چرا که عربستان هم‌زمان از دو ابزار دیپلماسی و استفاده از حرمین الشریفین امکان اقناع برخی از ریز کشورها را دارد؛ بنابراین دوران بن سلمان را باید دوران تقویت محور ارتجاع دانست.

محور اخوانی

عربستان برای نابود کردن اخوان مورد حمایت قطر و ترکیه، به دنبال آن است

تا با فشار بر حامیان این جنبش زمینه‌های انزوا و نابودی آن را فراهم کند؛ اما در مقابل ترکیه و قطر همچنان به مخالفت با سیاست‌های ریاض ادامه داده‌اند و اوج تنش بین دو محور را می‌توان در محاصره قطر دید. بنابراین محور اخوان نیز همانند محور مقاومت در سیاست جدید ریاض به عنوان نقطه هدف بیشتر از قبل تحت فشار قرار خواهد گرفت. چرا که موفقیت محور اخوان به معنای تضعیف محور ارتجاع خواهد بود.

محور احتلال (رژیم صهیونیستی)

در مورد تأثیرات ولیعهدی بن سلمان بر این محور در قسمت‌های پیشین به تفصیل نکاتی ذکر شد. اما به طور کلی می‌توان خارج شدن فلسطین از محوریت بسیاری از نشست‌ها و گفت‌وگوها و تلاش عربستان برای عادی سازی روابط با تل‌آویو را نتیجه مستقیم ولیعهدی بن سلمان دانست. در واقع محور احتلال در دوران بن سلمان فرصتی بی‌نظیر برای پیاده کردن برنامه‌های خود در مورد فلسطین به دست خواهد آورد و این مسئله می‌تواند تهدیدات زیادی را متوجه پرونده فلسطین کند. به ویژه اینکه ترامپ نیز نشان داده است که در مورد این پرونده احتمال دارد به اقدامات غیرقابل پیش بینی

همانند انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس دست بزند. البته رژیم صهیونیستی با همکاری عربستان جدید، در سایر پرونده‌های منطقه‌ای نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم، ایفای نقش خواهد کرد. در کل می‌توان گفت ولیعهدی بن سلمان بر تلاش تل‌آویو برای پیگیری روند عادی سازی روابط با جهان عرب تأثیر مثبتی خواهد گذاشت و به همان میزان نیز محور مقاومت مورد حمله بیشتری از سوی عربستان قرار خواهد گرفت.

فرجام سخن

قبضه کامل قدرت از سوی محمد بن سلمان می‌تواند منطقه غرب آسیا را با تغییرات بیشتری مواجه کند. هرچند که سیاست خارجی عربستان در دو سال گذشته تحت نفوذ و تأثیر بن سلمان بوده است و به نوعی سیاست‌های وی در این دو سال در منطقه ساری و جاری بوده است اما باید تأکید کرد که چندین عامل باعث شده است تا رفتار بن سلمان در منطقه تندتر شود. در درجه اول وی دیگر بن نایف را به عنوان رقیب و مانع در راه بلند پروازی‌های خود ندارد، از سوی دیگر روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا باعث شده است تا وی یک حامی قدرتمند برای اجرای برنامه‌های تندروانه خود در منطقه پیدا کند. یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل به بحران عربستان و قطر برمی‌گردد. در شرایط کنونی قطر با درخواست‌های عربستان و متحدین این کشور مخالفت کرده است همین امر باعث خواهد شد که جبهه بندی هادر منطقه پررنگ‌تر شود و این مسئله نیز زمینه‌های بیشتری برای تندروی بن سلمان ایجاد خواهد کرد. در کل می‌توان گفت ولیعهدی بن سلمان بر تلاش تل‌آویو برای پیگیری روند عادی سازی روابط با جهان عرب تأثیر مثبتی خواهد گذاشت و به همان میزان نیز محور مقاومت مورد حمله بیشتری از سوی عربستان قرار خواهد گرفت.

منابع:

۱- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت العظمی خامنه‌ای، بیانات در دیدار مداحان

اهل بیت علیهم السلام، (۹۴/۱/۲۰)، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>

۲-middleeasteye، REVEALED: The UAE-backed plan to make young Saudi prince a king، ۳۰ June 2016، at:

<http://www.middleeasteye.net/news/revealed-uae-backed-plan-young-saudi-prince-be-king-1655506265>

۳- روزنامه فرهیختگان، محمد بن سلمان منطقه را به کدام سمت خواهد برد؟ (۹۶/۴/۳)، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://newspaper.fdn.ir/newspaper/page/2255/1/115429/0>

۴- جماران، عجله عربستان برای عادی سازی روابط با اسرائیل، (۹۶/۴/۹)، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://yon.ir/WRYQD>

۵- خبرگزاری آریانا نیوز، محمد بن نایف گزینه امریکا برای پادشاهی آینده عربستان، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://yon.ir/rZTKy/>

۶- عصرایران، افشای توافق محرمانه محمد بن سلمان با ترامپ، (۹۶/۳/۲۹)، قابل بازیابی در پیوند

زیر:

<http://www.asriran.com/fa/news/544824>

۷- مشرق، شکست اردوغان در پازل قدرت عربستان؛ از اشتباه بزرگ سیستم های اطلاعاتی تا امکان

درگیری در منطقه، (۹۶/۴/۷)، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.mashregnews.ir/news/740630>



وزیر دفاع عربستان در یک کودتای تدریجی که نزدیک به دو و نیم سال طول کشید قدرت بن نایف را محدود و در نهایت وی را برکنار کرد. محمد بن سلمان نشان داده است که در عرصه سیاست خارجی بی پروا و بسیار ریسک پذیر است. به همین دلیل ولیعهدی وی باعث تغییراتی در برخی از پرونده‌های منطقه‌ای خواهد شد.

انذشکده زبیرک تبیین

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: